

# یک اثر معرفی نشده از محمد بن عبدالوهاب قزوینی

دکتر احمد مجاهد

به رایگان به دست آمده... دریغ آمد هم وطنان من که عاری از علوم عربیه و ادبیه می‌باشند، از مطالعه‌ی این کتاب مستطاب محروم مانند، نخوانند و دانستی‌ها ندانند...

توضیح آن که در ابتدای انعقاد دارالترجمه‌ی ملتی و شرکت طبع کتب به انجام این مرام مهم و مقصد اسنی پرداختم، ترجمه‌ی کتاب را به گردن جناب فضایل ماب آقا شیخ محمد ابن مرحوم فاضل نحیر ملا آقای قزوینی از اجزای دارالتالیف - طلب ثراه - انداختم، و او امروز از مترجمین محترم دارالترجمه‌ی ملتی‌ست. مشارالیه مشغول ترجمه شد و خود به نگارش و تالیف آن دست زد... آن را موشح نمودم به نام مبارک... مرجع الافاضل و مجمع الفضایل و الفواضل، جناب مستطاب حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه وزیر مالیه‌ی دولت علیه ایران - ادام الله اقباله العالی...

این رساله که به صورت ترجمه است و در معنی گوی سبقت از بسیاری از مصنفات جلیله می‌رباید و ابواب حکمت بر روی اهل معرفت می‌گشاید، نام نامیش «غرائب زمین و عجایب آسمان» است... نگارنده افادات چند بر آن افزوده و توضیح‌ها نموده... (غرائب زمین و عجایب آسمان، ص ۷-۱۱)

همان‌طور که ملاحظه فرمودید با تصریح فروغی، مترجم کتاب محمد پسر ملا آقا قزوینی‌ست. و ما در **تاریخ رجال قزوین** فقط یک ملا آقا داریم با پسری به نام محمد و از اجزای دارالتالیف که همان شادروان قزوینی‌ست که پدرش از اجزای نویسندگان اربعه‌ی نامه‌ی دانشوران ناصری‌ست.

چون نگارنده باید در ذیل جواب یک سوال مقدّر را بدهم که چرا مرحوم قزوینی از این ترجمه‌ی خود در جایی نام نمی‌برد، لذا باید رابطه‌ی او را با فروغی همان‌طور که خود در شرح احوال خویش می‌آورد، بازگو کنم:

«دیگر از بزرگوارانی که حق تربیت و تعلیم عظیم به گردن این ضعیف دارند، مرحوم میرزا محمدحسین خان اصفهانی متخلص به فروغی و ملقب به ذکاءالملک پدر دانشمند معظم آقای میرزا محمدعلی خان ذکاءالملک حالیه - مدظله العالی - است که قریب

□ بدواً خوانندگان محترم تعجب خواهند کرد چه‌طور شادروان قزوینی که از دانشمندان معاصر است اثری از او تاکنون پوشیده بوده و معرفی نشده است، اما با اندکی صبر و حوصله خواهند دید که چنین است.

قبلاً از دوستداران و ارادتمندان قزوینی پوزش می‌طلبم که چرا در صدر مقاله از او با پیشوند «علامه» یاد نکرده‌ام، چون که در این زمان از بس این پیشوند را به هر دستار به سری به ناحق اطلاق می‌کنند، دیگر انسان شرم می‌کند که آن را به صاحبان اصلی و شایسته‌ی آن اطلاق کند.

مطلب از این قرار است که ابراهیم حورانی<sup>۱</sup> ادیب محقق سوری (۱۳۳۴/۱۲۶۰، ۱۹۱۶/۱۸۴۴م) کتابی به نام **الایات البینات فی غرائب الارض و السموات** تالیف و چاپ کرده است. این کتاب را محمدحسین اصفهانی ملقب به ذکاءالملک و متخلص به فروغی (پدر محمدعلی و ابوالحسن فروغی) به شیخ محمد قزوینی ابن مرحوم ملا آقای قزوینی می‌دهد که ترجمه کند و او هم ترجمه می‌کند و بعد فروغی این ترجمه را به نگارش و تالیف درمی‌آورد و به نام هر دو در سال ۱۳۱۶ق چاپ می‌شود که گراور پشت جلد آن را خوانندگان محترم ضمن همین مقاله ملاحظه می‌کنند، و چه بهتر که مطلب را با قلم و بیان خود فروغی بخوانیم:

«... و مناسبت این که از حسن اتفاق و شمول سعادت، نگارنده‌ی با ذوق و مصنفی جامع و بارعی لطیف و محقق خبیر مسما و معروف به ابراهیم حورانی از فضلالی بیروت از سواحل شام چندی قبل تالیفی شریف بل تصنیفی منیف موسوم به کتاب **الایات البینات فی غرائب الارض و السموات** پرداخت و در سنه‌ی ۱۸۸۳ م که تقریباً ۱۵ سال پیش باشد آن را طبع کرده، منتشر ساخت و چیزی نگذشت که این بنده محمدحسین اصفهانی متخلص به فروغی و ملقب به ذکاءالملک مستوفی اول دیوان اعلی - و فقه الله تعالی لطلب مرضاته - به مطالعه‌ی آن نگارش اعلی و کریمه‌ی نفیسه فایز گشت. دیدم گنجی شایگان است که

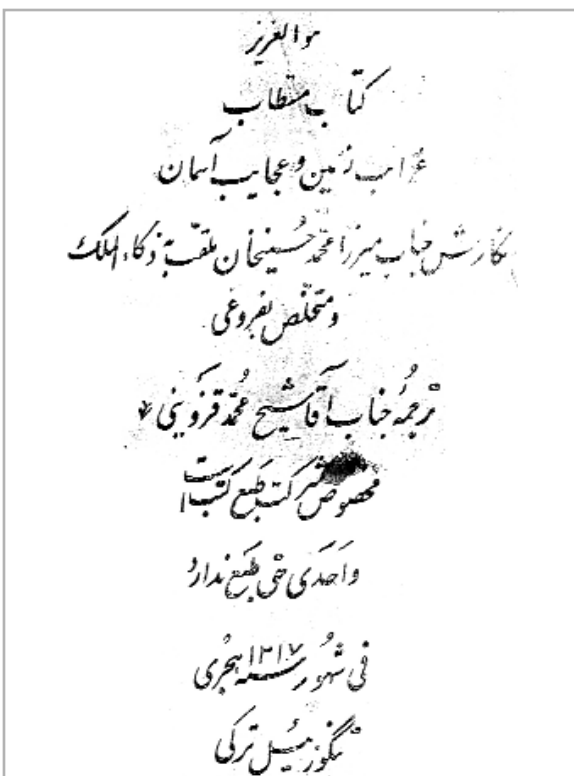
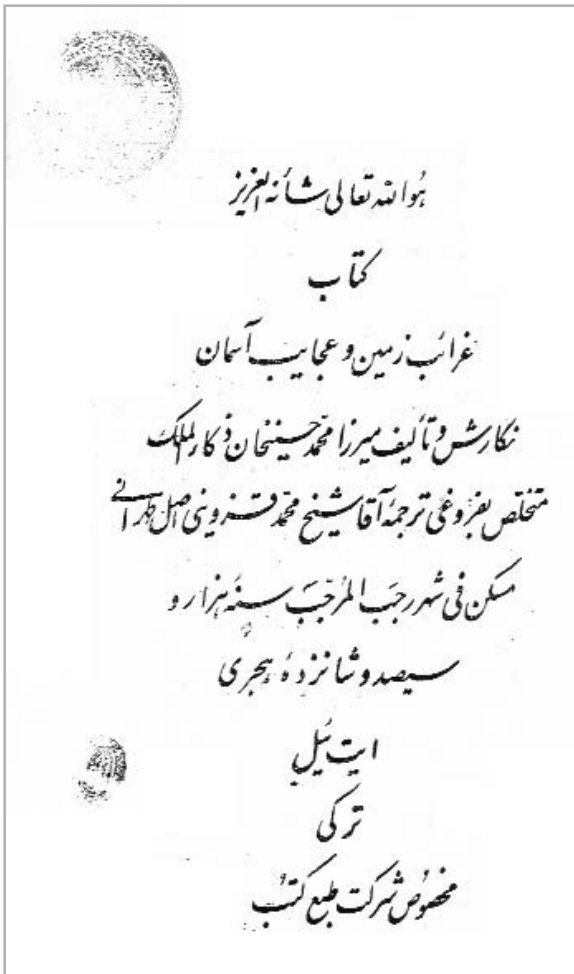
ده دوازده سال از اوایل عهد شباب را غالب ایام و لیالی در محضر انور ایشان که محطاً رجال ادبا و شعرا و اهل ذوق آن عصر بود، به سر بردم. تربیت اخلاقی بر حسب استعداد خود و ترویض [ریاضت دادن] نفس سرکش و قهر طبع توسن و اعتراف به جهل خود همه را کلاً مدیون توجهات مشفقانه و تربیت پدران‌ه‌ی آن مرحوم می‌باشد.

... در تمام این مدت ده دوازده ساله علی سبیل الاستمرار از مصاحبت دو فرزند دانشمند آن بزرگوار میرزا محمد علی خان ذکاءالملک و آقای میرزا ابوالحسن خان فروغی برخوردار بودم. ابتدا من در خدمت آقای ذکاءالملک حالیه درس فرانسه می‌خواندم و ایشان پیش من درس عربی، ولی به زودی به واسطه‌ی توافق مشرب طرفین و تجانس اخلاق و خیالات جانبین کار از تعلیم و تعلم گذشته، دوستی موکد باطنی بین ما برقرار و متدرجاً مستحکم گشت. (بیست مقاله، ج ۱، ص ۸)

شرح حال قزوینی نخست بار به قلم خودش در **بیست مقاله** (چاپ بمبئی، ج ۵-۲۳ در ۱۳۴۳ق) چاپ شد، بعداً همه‌ی مراجع از قبیل لغت‌نامه و مقالات معین و جزوه‌ی انجمن آثار و مفاخر و... همه نقل از همان **بیست مقاله** است و چون شادروان قزوینی نامی از ایران اثر خود نبرده طبعاً آنان نیز نام نبرده‌اند.

با تصریح فروغی در مقدمه‌ی کتاب که مترجم شیخ محمد قزوینی پسر ملا آقای قزوینی ست، و نوشته‌ی پشت جلد کتاب هم با همین تصریح است که گراور آن را ملاحظه می‌کنید، حال چرا قزوینی نامی از این اثر و ترجمه‌ی خود نمی‌برد، به گمان نگارنده با توجه به رابطه‌ی قزوینی با فروغی و دو فرزندش، وی بزرگواری کرده ترجمه‌ی کتاب که از او بوده، همراه نگارش و تالیف کتاب که از همین ترجمه‌ی او از فروغی بوده، یک‌جا در یک کاسه کرده و به نام ولی نعمت و بر کشیده‌ی اولی خودش محمدحسین ذکاءالملک فروغی ترک کرده و جزو آثار خود یاد نمی‌کند. البته یک فرض بسیار بسیار ضعیف هم هست که چون قزوینی در اولین کار خود اشتباهاتی در ترجمه کرده است، بعداً صلاح ندیده است که از این اثر خود یاد کند.

و اگر ما در نظر داشته باشیم که قزوینی و بعضی از ادبای متاخر ما اصلاً به طرف ترجمه نرفته‌اند، و خود قزوینی به خاطر یک کلمه در تصحیح **جهانگشای جوینی**، پنج سال چاپ کتاب را معطل می‌دارد، اما حتا یک بیت از اشعار عربی را ترجمه نکرده است، و هم‌چنین است در **شد الازار** و سایر آثارش که روش او چنین بود که چیزی را ترجمه نکنند، و بنا بر اشتها تنها مقدمه‌ی **نقطه الکاف** را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد، آن هم بدون ذکر نام خودش، اما به اتفاق اهل نظر آن ترجمه انشای قزوینی ست، و چنین بود مرحوم فروزانفر که سطری در آثارش ترجمه نکرده است. وقتی ترجمه‌ی **رساله‌ی قشیریه** از قرن ششم را چاپ کرد، ترجمه‌ی اشعار آن را به عهده‌ی دکتر احمد



## برای حسنین

### منوچهر صدوقی سه‌ها

ای صوفی صافی صفا کیش صفی‌جو  
 شد عمری تا دست سوی جام نبردیم  
 برخیز گریزیم از این وادی کثرت  
 سرمست علی‌جوی و علی‌خوان و علی‌خواه  
 مولای علی‌الاطلاق و والی مطلق  
 هم هجرش بر دل‌شدگان گوشه‌ی دوزخ  
 ای روح‌الامین، جان سه‌ها، آیت موتوا  
 مردیم بی‌بیمای دو سه جامی به لب جو  
 زی زاویه‌ی وحدت با شور تکاپو  
 بی‌خویش علی‌خواه و علی‌خوان و علی‌جو  
 رمز ازل و سرّ ابد راز اطیعوا  
 هم وصلش بر شیفتگان غره‌ی مینو

مهدوی دامغانی حواله کرد و ایشان هم بعد سالیانی در حاصل اوقات به چاپ رساند و یک بیت از اشعار عربی کلیات شمس را هم ترجمه نکرد. و چنین بود مرحوم همایی و مدرس رضوی و محدث و بسیاری از استادان ادب عربی ما.

اما به هر علت که بر ما مجهول است که چرا قزوینی کتاب مورد بحث را جزو آثار خود یاد نکرده است، و این قطعی‌ست که ترجمه‌ی کتاب از اوست و یک بار هم به نام او چاپ شده است، نویسندگان و شرح حال نویسان بعد از او باید این کتاب را جزو آثار او ذکر کنند، البته خان‌بابا مشار در فهرست کتاب‌های چاپی ترجمه‌ی کتاب را به نام شیخ محمدباقر قزوینی آورده که اشتباه محض است و کلمه‌ی باقر نه در پشت کتاب و نه در مقدمه نیامده و یک غلط مطبعی‌ست.

یک محمد قزوینی دیگر هم داریم که او کاتب بوده است و ساکن در بالاخانه‌ی امام‌زاده زید تهران که کتاب بدایع الاحکام فی فقه الاسلام تالیف بدایع نگار لاهوتی را احمد بن محمد الهزار جریبی کتابت کرد، فقط یک صفحه فهرست اول کتاب را محمد قزوینی تحریر نموده است. «این فهرست به ید اقل المطالب و الکتاب محمد القزوینی نوشته شده در بالاخانه‌ی امام‌زاده زید - ع - در ۲۵ شهر رمضان المبارک فی ۱۳۲۴ ق.»

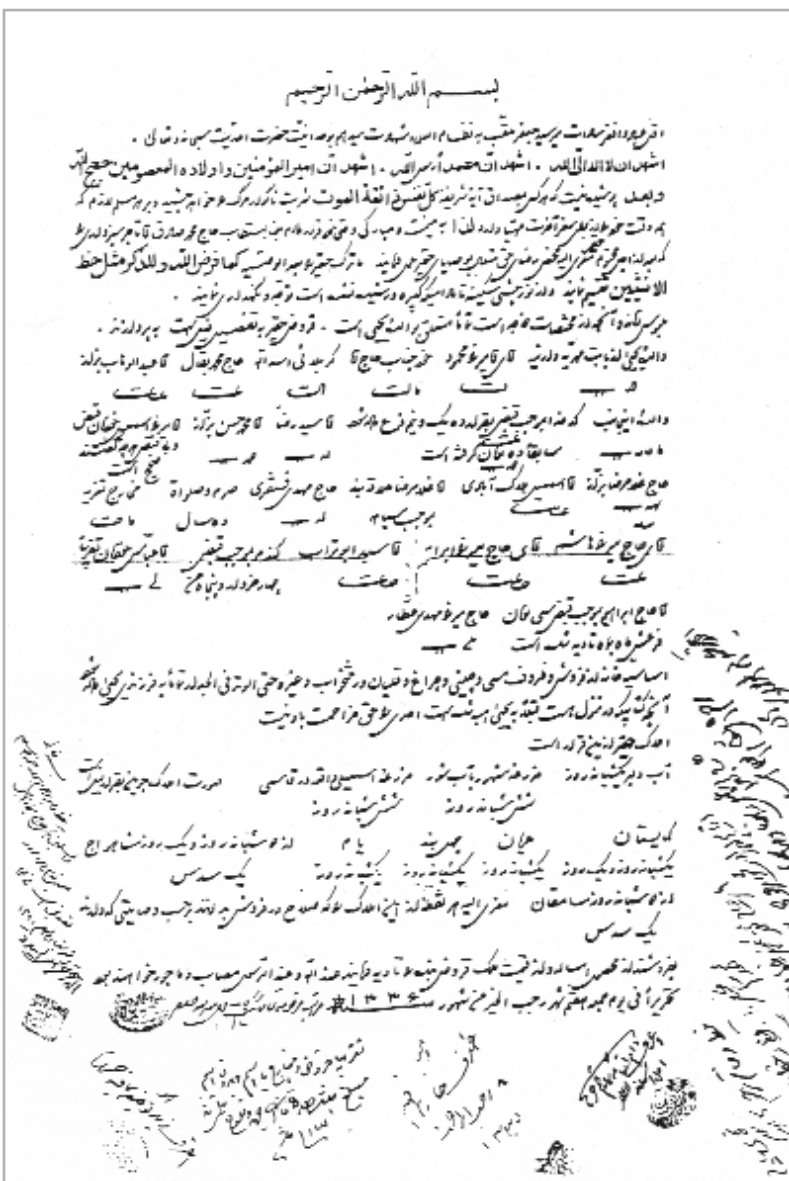
یک کلیات سعدی هم نگارنده به خط او دیده‌ام: «حرره محمد القزوینی فی پانزدهم شهر رجب المرجب در سنه‌ی یک هزار و سیصد و بیست و یک، ۱۳۲۱ ق.»

کتاب جام‌جم هندوست آن را نیز به خط او دیده‌ام: گر به هم بر زده بینی خط من عیب مکن که مرا محنت ایام به هم بر زده است حرره محمد القزوینی، ۱۳۱۶ ق. ■

### پی‌نوشت‌ها

۱- اعلام زرکلی، ج ۱، ص ۵۶.

۲- المائر و الآثار، ص ۱۶۱، چاپ سنگی.



(سندی از ۹۱ سال قبل (وصیت‌نامه‌ی نظام‌العلماء) برادر امین‌الشریعه: لیست املاک و بدهی‌ها